

حقوق تجارت

- ۱ -

تعریف حقوق

حقوق دارای دو معنی مختلف است - اول بمعنی اصلی کلمه که مشتق از حق و عبارت از اختیاری است که قانون برای انجام اعمال معینی با افراد میدهد مثل حق مالکیت که بمالك اجازه میدهد از شیئی بنفع خود بالاخصاص استفاده کند یا حق وصیت که بموصی اجازه میدهد از عین مال خود پس از فوتش بدیگری تملیک کند

بمعنی دوم حقوق عبارت از قواعد حقوقی (فضائی) یا قوانینی است که باعمال انسانی تعلق میگیرد و بنا بر این میتوان گفت که حقوق افراد را حقوق معین میکنند حقوق بمعنی دوم اعم و شامل کلیه قوانینی است که نوع بشر در اعصار مختلفه وضع نموده و چون بحث از حقوق باین معنی که مقصود از آن کلیه قوانین موضوعه بشر باشد بندرت اتفاق می افتد و غالب در موقع استعمال جزء یا قسمتی از آن مقصود است برای تشخیص مقصود عادتاً آن را با اضافه ذکر میکنند چه گاهی مقصود حقوق ملتی است مانند حقوق فرانسه - حقوق ایران - حقوق انگلستان و زمانی منظور حقوق دوره و زمانیست مانند حقوق روم و حقوق اسلامی

حقوق هر ملتی هم بتقسیماتی منقسم میشود مثل حقوق اداری - حقوق اساسی - حقوق جزائی - حقوق مدنی و بطور کلی حقوق هر ملتی ابتداء بدو قسمت تقسیم میشود : حقوق عمومی - حقوق خصوصی .

حقوق عمومی - عبارت از قواعدی است که ترتیب تشکیلات قوای عمومی و روابط قوای مزبوره را با افراد معلوم میدارد مانند حقوق اساسی و حقوق اداری و حقوق جزائی

حقوق خصوصی - قواعدی است که روابط افراد

را بایکدیگر معین مینماید مثل حقوق مدنی و حقوق تجارتی حقوق تجارتی - روابط افراد را از حیث اشغال آنها بامر تجارت معلوم میکند در صورتیکه حقوق مدنی قواعدیست که روابط افراد را بدون توجه به شغل آنها تنظیم مینماید .

حقوق تجارت - حقوق مخصوصی است بدین معنی که یا عبارت از قواعد مربوطه باشخاص معینی است که تاجر باشند و یا راجع باعمال خاصی است که مقصود معاملات تجارتی باشد پس باید دید که تاجر کیست و معاملات تجارتی کدام است .

ماده اول - قانون تجارت ایران تاجر را چنین تعریف می کند :

«تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجارتی قرار دهد مطابق این تعریف وقتی شخصی را تاجر میتوان خوانند که مبادرت بامر تجارت نموده آنرا شغل خود قرار دهد.»

معاملات تجارتی بر دو قسم است - اول معاملات که بالذات و فی نفسه تجارتی شناخته شده اند . دوم معاملاتیکه باعتبار تاجر بودن متعاملین یا یکی از آنها تجارتی محسوب میشود .

معاملات تجارتی ذاتی

ماده دوم - قانون تجارت معاملات ذاتی را که ذاتاً تجارتی هستند بطریق ذیل تعیین میکند .

۱ - خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول بقصد فروش یا اجاره از اینکه در آن تصرفاتی شده یا نشده باشد .

۲ - تصدی بحمل و نقل از راه خشکی یا آب یا

هوا بپرنجوی که باشد .

۳ - هر قسم عملیات دلالی یا سفارشی یا عاملی و همچنین تصدی بهر نوع تأسیساتی که برای انجام بعضی از امور ایجاد میشود از قبیل تسهیل معاملات ملکی پدید آوردن بنفدیه و یا تهیه و رسانیدن ملزومات .

۴ - تأسیس و بکار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر اینکه برای رفع حوائج شخصی نباشد .

۵ - تصدی بعملیات جراحی .

۶ - تصدی بهر قسم نمایندگیهای عمومی .

۷ - هر قسم عملیات صرافی و بانکی .

۸ - معاملات برواتی اعم از اینکه بین تاجر یا غیر تاجر باشد .

۹ - عملیات بیمه بحری و غیر بحری .

۱۰ - کشتی سازی و خرید و فروش کشتی و کشتی رانی داخلی یا خارجی و معاملات راجعه بانها .

معاملاتی که باعتبار طرفین یا یکی از آنها تجارتي محسوب میشود

۱ - کلیه معاملات بین تاجر و کسبه و صرافان بانگها

۲ - کلیه معاملاتی که تاجر یا غیر تاجر برای حوائج تجارتي خود مینماید .

۳ - کلیه معاملاتی که اجزاء یا خدمه یا شاگرد تاجر

برای امور تجارتي ارباب خود مینماید .

۴ - کلیه معاملات شرکتهای تجارتي .

- ۲ -

اغلب در صدر بر آمده اند که شخصی برای تمیز معاملات تجارتي از معاملات غیر تجارتي پیداکند و بعضی مدعی شده اند که مشخص معاملات مزبوره قصد انتفاع است که در تمام معاملات تجارتي دیده میشود .

هر چند قصد مزبور تقریباً در تمام آن معاملات موجود است ولی ممیزی نیست که منحصر به معاملات تجارتي بوده و حتماً در تمام معاملات مزبور موجود باشد زیرا از یکطرف معاملاتی دیده میشود که هیچ جنبه تجارتي ندارد

و غرض از آن صرف انتفاع است - مانند اجاره و استجاره املاک مزروعی که مستأجر هیچ منظوری جز استفاده از تفاوت قیمت حاصله از فروش محصول روجه مال الاجاره ندارد و مهذا نه عمل اجاره تجارتي محسوب میشود و نه فروش محصول و از طرف دیگر معاملات تجارتي موجود است که بکلی فاقد قصد انتفاع میباشد مانند حواله وامضای برات که ممکن است امضاء کنندگان بهیچوجه قصد انتفاع نداشته باشد لیکن عمل بموجب قانون ذاتاً تجارتي است .

حقیقت آنست که شخصی برای کلیه معاملات تجارتي نمیتوان بدست آورد و از ملاحظه معاملات تجارتي معلوم میشود که بعضی از آنها بواسطه قصد و منظور متعاملین و برخی از جهت نفس عمل یا معامله و بدون هیچ توجهی به منظور و نتیجه که متعاملین از آن در نظر داشته اند تجارتي شناخته شده مثلاً برای آنکه معلوم شود خرید آذوقه یا مال التجاره تجارتي است یا نه باید قصد خریدار را فهمید در صورتیکه بی بردن بقصد امضاء کنند برات ابداً مفید فایده نیست زیرا برات ذاتاً تجارتي است .

از جهت دیگری قانون بعضی معاملات را حتی اگر بندرت و بطور اتفاق از کسی ناشی شود تجارتي شناخته و نسبت به بعضی دیگر برای آنکه عمل تجارتي شناخته شود تکرار را از ناحیه مقصدی آن لازم دانسته چنانچه در امر برات مینویسد: معاملات برواتی . و در موضوع حمل و نقل و حراج میگوید: تصدی بحمل و نقل و تصدی بعملیات حراجی یا تصدی بنمایشگاهها .

در شرح معاملاتی که ذاتاً تجارتي هستند :

۱ - خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول بقصد فروش یا اجاره اعم از آنکه در آن تصرفاتی شده یا نشده باشد .
از تجزیه مندرجات (شق ۱) از ماده ۲ سه شرط بدست می آید :

۱ - خرید :

۲ - موضوع آن که عبارت از مال منقول باشد .

۳ - قصد فروش یا اجاره .

این قسم از معاملات معمول ترین معاملات تجارتي است و نمونه کاملی از معاملات مزبور را نشان میدهد و فوراً واسطه بین تولید کننده و مصرف کننده را که تقریباً در تمام معاملات تجارتي دیده میشود بنظر میآورد .

خرید

از کلمه خرید که در آغاز مطلب دیده میشود چنین بنظر میرسد که مقصود بدست آوردن مال منقول است در ازاء وجه نقد ولی چون کلمه تحصیل نیز بلافاصله بعد از آن ذکر شده معلوم میدارد که هرگاه مالی در ازاء مال دیگری بدست آید معامله تجارتي است و حتماً لازم نیست که در مقابل وجه نقد تحصیل شده باشد .

مال منقول

مقصود از مال منقول هر مال منقولی است که بتواند موضوع تجارت واقع شود اعم از اینکه دارای جسم و ماده باشد یا داری جسم و ماده نباشد مثل حق اختراع محقق تصنیف یا سرقتی . حال باید دید اگر موضوع خرید مال غیر منقول هم باشد باز هم معامله تجارتي است یا خیر ؟؟

زیرا معاملات عمده نسبت باموال غیر منقول میشود و اشخاصی دیده میشوند که دائماً اراضی و خانه و باغات را خریداری کرده و به قیمت گرانتری میفروشند و عهده دیگری بدهات بزرگ و اراضی وسیعی را خریده آنها را قطعه قطعه کرده میفروشند و از این راه استفاده عمده مینمایند و از عمل مزبور جز قصد انتفاع نظر دیگری ندارد بعضی را عقیده آنستکه این معاملات هیچ تفاوتی با سایر معاملات تجارتي ندارند و کلیه موجهاتی را که برای سایر معاملات تجارتي موجود است در این معاملات نیز وجود داشته و بنابراین دلیل ندارد این نوع معاملات را تجارتي نشناسیم هر چند ظاهراً استدلال پیروان این عقیده صحیح بنظر می آید لیکن چنانچه گفته شد اولاً برای آنکه معامله تجارتي شناخته شود قانون سه شرط را لازم دانسته است . این نوع از معاملات دو شرط از آنها واجد است

ولی شرط دیگر را که موضوع خرید باید منقول باشد فاقد است .

ثانیاً - در ماده ۴ قانون تجارت مقنن صراحتاً از تجاری شناختن این گونه از معاملات امتناع ورزیده و مخصوصاً در موقع وضع قانون در نظر داشته است که فقط اموال منقول را تحت حکومت قانون تجارت قرار داده و موضوع تجارت را اموالی قرار دهد که نقل و انتقال یعنی دست بدست گشتن آن با سهولت میسر باشد .

قصد فروش یا اجاره

قصد فروش یا اجاره است که بمعامله عنوان تجاری میدهد شغل خریدار تأثیری در عمل ندارد زیرا تاجر هم که اشیائی را برای حوائج شخصی میخرد عملش تجارتي محسوب نمیشود ولی غیر تاجری که مالی را بقصد فروش میخرد مطابق تعریف همین ماده عمل او تجارتي است .

بملاوه نظر خریدار در اینکه مبیع را کالا یا جزء جزء و یا عیناً و یا بعد از تصرفاتی بفروشد تأثیری در تجارتي بودن عمل نخواهد داشت .

چگونه ممکنست قصد فروش یا اجاره را فهمید ؟ از این حیث هیچ اشکالی موجود نیست .

اگر خرید از ناحیه تاجر برای امر تجارتش باشد تجاری بودن معامله مسلم است لیکن چنانچه از ناحیه غیر تاجر واقع شود باید نوع معامله و مقدار آن را در نظر گرفت مثل آنکه اگر کسی مال التجاره و اوراق را بمقدار فوق العاده ای و یا زیاد تر از احتیاج شخصی خود بخرد مسلم است که قصد فروش دارد .

خریدار ممکن است قصد انتفاع را از فروش مال نداشته و فقط قصد مزبور را از اجاره آن داشته باشد مثل اینکه اتومبیل را میخرد برای کرایه دادن و از کرایه آن انتفاع میبرد .

خرید برای اجاره بقصد انتفاع مطابق قانون تابع همان قواعد و احکامی است که برای فروش مذکور شد و بنابراین وقتی تجارتي محسوب میشود که موضوع آن

نمایند بیکدیگر نزدیک ساخته آنها را بهم میتناساند.

سفارشکاری

سفارش کاری در حقیقت عقد وکالتی است در امر تجارت و مسکن است سفارش برای فروش باشد یا سفارش برای خرید یا سفارش برای حمل و نقل.

در امر تجارت اشخاصی هستند که شغل خود را سفارش کاری قرار داده و بحساب سفارش دهند یا سفارش گیرنده عمل میکنند.

عامل کسی است که در مقابل اجرتی حفظ منافع دیگری را عهده دار می گردد مطالبات او را جمع آوری میکند بنمایندگی از طرف تاجر یا شرکت های تجاری در محاکم حاضر میشود و با اشخاصی که مایل هستند اطلاعات تجاری می دهد.

اصول متخذه قضائی امروزه عامل را در حکم وکیل می شناسند.

اقدام بتهیه و رسانیدن ملزومات هم مانند خرید برای فروش میباشد و قهر آتیه کننده در موقع فروش تفاوتی نسبت بقیمت خرید برای خود منظور میدارد قرارداد را در اجبه بتهیه ملزومات و مال التجاره تجاری است و خرید ملزومات برای انجام تهه نیز تجاری محسوب می گردد.

گاهی هم ممکن است معامله راجع بتهیه ملزومات برای فروش نبوده بلکه فقط برای استفاده از منافع آن باشد مثل آنکه اغلب در نمایشگاهها اشخاصی متعهد می شوند که زینت صحنه نمایش گاه و لباس بازی کنندگان را تهیه کنند.

۴ - تاسیس و بکار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر اینکه برای رفع حوائج شخصی نباشد. مقصود از تاسیس و بکار انداختن کارخانه کلیه عملیاتی است که بوسیله آن شخصی عهده دار ساخت مال التجاره و تعمیر و تصرف در مواد اولیه و مهیا ساختن مواد مزبوره برای رفع احتیاج مصرف کنندگان می گردد مانند تهیه قند از چغندر و پارچه از پنبه یا از پشم و تبدیل مستخرجات معدنی به آهن

مال منقول باشد و خرید مال منقول اگر بالتبع برای مال غیر منقول هم باشد تجاری شناخته نخواهد شد.

مثلا هرگاه صاحب خانه که اطاقهای خانه خود را اجاره میدهد اثاثیه برای اطاقها تهیه کرده آنها اجاره دهد. چون اجاره اثاثیه تابع اجاره اطاقها است تجاری محسوب نمیگردد.

درفروش

خرید برای فروش بقصد انتفاع تجاری است آیا فروش هم تجاری است یا نه؟

این نکته خالی از اهمیت نیست زیرا نسبت بتمام فروشهای تاجر موضوع بحث قرار میگیرد هر چند قانون در این موضوع ساکت است ولی شکی نیست که عمل مزبور باید تجاری شناخته شود زیرا معقول نیست که عمل خرید تجاری شناخته شود و فروش که منظور از خرید را تأمین میکند تجاری نباشد.

- ۳ -

۲ - تصدی بحمل و نقل از راه خشکی یا آب یا هوا تصدی بحمل و نقل اعم از آنکه از راه خشکی یا دریا یا هوا باشد و بهر وسیله که انجام یابد خواه بوسیله مال یا گاری - یا دلبران یا اتومبیل یا راه آهن یا کشتی یا نظایر و اعم از آنکه متصدی عمل شخص یا شرکت باشد عمل تجاری محسوب است و حتی اعمال دولت هم که عهده دار حمل و نقل میشود تجاری است ولی باید متذکر بود برای آنکه این عمل تجاری باشد تصدی لازم است یعنی تهیه لوازم حمل و نقل و اشتغال به آن و الا اگر کسی بطور اتفاق مبادرت بعمل حمل و نقل کند ولو آنکه در مقابل اجرتی باشد عمل مزبور تجاری محسوب نمیگردد.

۳ - هر قسم عملیات دلالی یا سفارش کاری یا عاملی و همچنین تصدی بهر نوع تأسیساتی که برای انجام بعضی از امور ایجاد می شود از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه و یا تهیه و رساندن ملزومات و غیره.

عملیات دلالی - عملیاتی است که بکنفر بدون آنکه شخصاً تهه بکند در تاجری را که میخواهند معاملاتی

و پولاد در مواقعی که صاحب کارخانه مواد اولیه را شخصاً خریداری میکند، خرید مال التجاره برای فروش است پس از تصرفاتی و بنابراین عمل همان عمل تجارته است و در وقتی که مواد را از صاحب آن برای تغییر و تبدیل گرفته و پس از تصرفاتی بساحب آن مسترد میدارد از این حیث از کار خود و زحمت کارگران و استعمال ماشین های خود استفاده نمیکند و باز هم عمل تجارته است زیرا میتوان گفت که کار کارگران خود را خریداری کرده و نتیجه کار آنها را بقیمت گرانتری میفروشد و همچنین ماشین های لازم را خریدیده تا نتیجتاً از کار ماشین های مزبوره استفاده کند و از این حیث تاسیس کارخانه حکم عمل واسطه را دارد که آن نیز تجارته محسوب است .

۵ - عملیات حراجی - عملیاتی است که بوسیله آن مال التجاره را برترتیب مزایده بفروش میرسانند - اشخاصی که متصدی امر مزبور میشوند واسطه هسانی هستند بین فروشنده و خریدار که عمل آنها نیز مطابق قانون تجارته شناخته شده .

۶ - تصدی بهر قسم نمایشگاههای عمومی - مقصود از نمایشگاه های عمومی تأسیساتی است که وسائل تفریح عامه را در ازاء مبانی فراهم مینماید از قبیل تاتر و سیرک و سینما - صاحبان این قبیل مؤسسات با کار و زحمت اشخاصی را که در مؤسسات خود استخدام میکنند تجارت مینمایند مثل بازی گران سجنه تاتر و نمایشگاهها - آوازه خوانها - موسیقی دانها .

۷ - هر قسم عملیات صرافی و بانکی - عملیات صرافی عبارت از آن است که دو نفر بین خود دو پول مختلف یا اسنادی را که بمنزله پول است با یکدیگر مبادله و معاوضه کنند - فایده این عمل آنست که پول اقسام مختلفی دارد و پولهای مختلفه نسبت با سنگناس یا سایر اسناد تجارته دارای قیمت واحدی نیستند و اغلب مردم محتاجند پولی را که دارند برای رفع احتیاج خود با پول دیگر تبدیل کنند و عملیات مذکوره را عملیات

صرافی خوانند .

عملیات بانکی عبارت از کایه معاملات تجارته مربوط بنقود و اسناد تجارته است .

معاملات مزبوره بسیار متعدد و مختلف است از قبیل وریه گذاردن وجوه در بانک - سپردن اسناد به آن ها - معاملات استقراضی - باز کردن اعتبار از طرف بانک ها برای اشخاص و ترتیب دادن حساب جاری و خرید و فروش بروات و اسناد تجارته .

۸ - معاملات براتی اعم از این که بین تاجر یا غیر تاجر باشد

برات نوشته ایست که بموجب آن شخصی بجای آن که خود تمهد پرداخت وجهی را بنماید تمهد میشود که توسط دیگری در همان محل یا در نقطه دیگر مبلغ معینی را در تاریخ معینی بدارند . برات برسانند مثلاً : حسین آقای تاجر در طهران براتی ترتیب میدهد بعهده علی آقا طرف خود در شیراز و از او خواهش میکند که مبلغ معینه در برات را به جعفر آقا یا حواله کرد او بپردازد صورت برات به ترتیب ذیل است :

طهران ۲۲ مهر ماه ۱۳۱۵ مبلغ هزار تومان
آقای میرزا علی آقا تاجر خواهشمند است مبلغ يك هزار تومان در ۱۵ آبان ماه ۱۳۱۵ در وجه جعفر آقا یا حواله کرد او بابت مال التجاره خریداری شده بپردازد .
امضاء - حسین

حسین را که انشاء کننده برات است محیل و علی که وجه را باید بپردازد محال علیه و جعفر که وجه را باید دریافت کند محال له یا محال خوانند .

لازم نیست که جعفر شخصاً وجه برات را دریافت کند بلکه میتواند ظهر برات را امضاء نموده به دیگری حواله دهد حواله مزبور را ظهر نویسی گویند و همچنین کسی که ظهر نویسی بفتح او بعمل آمده میتواند بنوبه خود آن را بتخص دیگری حواله دهد - محال علیه بصرف اینکه برات بعهده او صادر شده ملزم پرداخت وجه آن نمیشد

بلکه وقتی ملزم بقادیه در رأس وعده خواهد شد که برات را قبلاً قبولی نوشته باشد.

مجبور و کلیه ظهر نویسیها در مقابل دارندۀ برات مسئول تاویه وجه آن هستند.

قانون معاملات براتی را اعم از اینکه بین تاجر یا غیر تاجر باشد تجارتی شناخته بنا بر این کلیه امضاهائی که از آنها در برات باشد مثل اینست که تمهد تجارتی کرده باشند.

۹ - عملیات بیمه بحری و غیر بحری

عملیات بیمه بحری عقدی است که بموجب آن یکی از مشاهدهین که بیمه کننده باشد در ازاء وجهی در مقابل بطرف دیگر تمهد می شود که هر گاه محمولات او در دریا یا در کشتی تلف شده یا خساراتی نسبت به آن وارد آید از عهده قیمت یا خسارات وارده بر او بر آید.

بیمه غیر بحری

بیمه ایست که نسبت بحریق یا فوت بعمل میاید و بنا بر این مطابق قانون کلیه معاملات راجعه به بیمه بحری یا غیر بحری تجارتی شناخته میشود.

۱۰ - کشتی سازی و خرید و فروش کشتی و کشتی رانی داخلی یا خارجی و معاملات راجعه به آنها. قرار داد های بحری و قرار داد های مربوطه به کشتی سازی و تمام معاملات راجعه به آنها را قانون تجارتی شناخته و بنا بر این میتوان گفت که قانون کلیه عملیات راجعه به تجارت بحری را تجارتی دانسته است و همچنین کشتی رانی در رود خانه ها و شطها

خرید و فروش کشتی همیشه تجارتی نیست و مواردی یافت میشود که نمیتوان آن را تجارتی نامید مثل موردیکه وارث یکنفر صاحب کشتی کشتی را که ارتناً باو انتقال یافته است میفروشد یا شخص نروتمندی که برای تفریح و تفریح خود کشتی میخرد.

در معاملاتیکه باعتبار متعاملین یا یکی از آنها تجارتی محسوب میشود.

تمام معاملات تجاریکنوع نیست بلکه اقسام مختلفیه ای دارد ولی هر گاه موضوع معامله و مقصود از آن استفاده یا بهره تجارتی باشد عمل مشمول ماده ۲ از قانون تجارت خواهد بود مثل خرید مال التجاره بقصد فروش یا انققاد قرار داد های لازمه برای انجام امر تجارتی که مسلماً اعمال مزبوره تجارتی شناخته میشود بالعکس یکنفر تاجر ممکن است معاملات بنماید که بهیچوجه مربوط بامر تجارتی نباشد مثل خرید آذوقه یا اثاثیه از ناحیه تاجر برای رفع حوائج شخصی این معاملات البته تجارتی محسوب نمی گردد.

دسته سوم از معاملات تجارتی معاملات است که بدون آنکه مستقیماً انجام امر تجارتی تاجر را متضمن باشد ارتباط تامی با آن دارد از اینجهت که برای رفع حوائج تجارتی او انجام میگیرد مثل خرید دفاتر برای نگاهداشتن محاسبات و یا خرید دوچرخه و عرابه و اتومبیل که تجار برای حمل مال التجاره هائی را که بمشتری میفروشند و یا بیمه مال التجاره از طرف تجار که این اعمال بخودی خود تجارتی نیست و در صورتیکه از ناحیه غیر تاجر بعمل آید حقوقی است ولی وقتی که انجام آن از طرف تجار شود بواسطه ارتباط عمل با امر تجارت تاجر تجارتی محسوب می گردد و بنا بر این میتوانیم کلیه معاملاتی که ذاتاً غیر تجاری است هر گاه از طرف تاجر برای رفع حوائج تجارتی او بعمل آید تجارتی محسوب داریم.

تجاری شناختن معاملات مزبوره امری است طبیعی چه تمام مویجاتی که برای تعیین معاملات تجارتی موجود است نسبت به این معاملات نیز وجود دارد و هیچ معقول نیست که این معاملات از عداد معاملات تجارتی خارج شود و بملاوه فقره ۲ از ماده ۳ قانون تجارت هم که مینویسد کلیه معاملات که تاجر یا غیر تاجر برای رفع حوائج تجارتی خود مینماید تصریح باین معنی است.

فقره ۱ از ماده مزبور کلیه معاملات بین تجار و کسبه و سرافان را تجارتی قلمداد میکند. مسلم است که نسبت به

این ماده معنی ظاهر آن نباید در نظر گرفت و تصور کرد که هر معامله بین تاجر و کسبه و سرافان تجاری است زیرا اولاً برای آنکه معامله تجاری باشد هیچ لازم نیست که بین دو تاجر پامل آید بلکه بسیاری از معاملات تاجر یا غیر تاجر هم تجاری است.

ثانیاً بین دو تاجر هم ممکن است معاملاتی صورت بگیرد که مربوط به معاملات شخصی آنان بوده و بهیچوجه تجاری نباشد مثل آنکه تاجری باغی داشته و اشجار آن را برای حوائج شخصی تاجر دیگری باو بفروشد که نه عمل فروشنده تجاری است و نه عمل خریدار و برای آنکه گفته شود ماده مزبور خالی از مفهوم است مقصود ماده را باید چنین تعبیر کرد که بین تعهدات تاجر با تعهدات غیر تاجر فرق است.

و تعهدات تاجر چون عادتاً برای رفع حوائج تجاری

او است اصولاً تجاری است.

بر حسب این قاعده که معاملات مربوطه بحوائج تجاری نیز باید تجاری شناخته شود علاوه بر عقود تجاری شبهه عقد شبه جرم هم همینقدر که وقوع آن سبب انجمام امر تجاری باشد تجاری محسوب میگردد.

همانطوری که عقود تجاری هست در امر تجارت شبه عقد و شبه جرم تجاری نیز دیده میشود مثل آنکه هر گاه در تصفیة حسابی بین دو تاجر سهوی رخ داده و یکی از آنها مبلغی بیش از آنچه مدیون بوده است بدیگری پرداخته البته اضافه پرداختی را باید مسترد دارد و هر گاه طرف از رد اضافه دریافتی استنکاف کند تعقیب و طرز رسیدگی مطابق قانون تجارت خواهد بود یا آنکه دو کشتی تجاری با یکدیگر تصادم کرده یکی بدیگری خسارت وارد آورد صاحب کشتی که خسارت وارد آورده ملزم است که خسارات طرف را جبران کند و این موضوع را شعبه جرم جرم تجاری خوانند.

